

ادامه از صفحه ۸

امام خمینی(ره) هم در دوران مبارزه با رژیم طاغوت و هم در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله، این بار در رادر مردم ایجاد کرد که دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران به عنوان یک مملکت اسلامی یک فریضه دینی است؛ «علمای اسلام وظیفه دارند از احکام مسلم اسلام دفاع کنند، از استقلال ممالک اسلامی پشتیبانی نمایند، از ستمکاری ها و ظلم‌ها اظهار تنفر کنند، از پیمان یا دشمنان اسلام و استقلال و ممالک اسلام اظهار انزجار کنند. از اسرائیل و عمال اسرائیل برائت جویند... آیا برای مملکت کهنسالی مثل ایران ننگ نیست که دولت اسرائیل بگوید ما حمایت از ایران می‌کنیم... ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم.» (صحیفه امام، ج ۱، صص ۳۳۵-۳۳۶) «ما می‌خواهیم مستقل باشیم، ما در زمان های سابق و خصوصا در زمان این پدر و پسر و بالاخص در زمان این پسر، ما همه جهات مملکت‌مان تحت سلطه اجانب بوده و هست. ما اقتصادمان به‌هم خورده است، به‌واسطه اینکه اجانب بر آن تسلط دارند. نفت ما را دارند می‌برند و در ازای آن برای خودشان در ایران پایگاه درست می‌کنند. فرهنگ ما را عقب نگه داشته‌اند؛ جوان‌های ما رانمی‌گذارندتحصیل کنند»(صحیفه امام،ج ۴،ص ۱۹۵)نقطه اوج استقلال‌طلبی و نفی وابستگی در کلام امام(ره) مخالفت ایشان باقانون کابینتولاسیون است. امام در دوسخترازی کوبنده در روز ۴آبان ۱۳۴۳ به تصویب کابینتولاسیون اعتراض کرده و از همه‌آحادملت‌می‌خواهدبرای استقلال و آزادی کشور قیام کنند؛ «بر همه طبقات ملت است که از مناقشات جزئی موسمی خود صرف‌نظر کرده و در راه هدف مقدس استقلال و بیرون رفتن از قیداسارت کوشش کنند.»(صحیفه امام،ج ۱،ص ۴۱۲)امام(ره) با اشاره به نوشته‌ای در یکی از کتاب‌های تاریخ مدارس کشور می‌گوید: «در یکی از کتاب‌های تاریخی که اسمال به‌طبع رسیده است و به‌جبه‌های ما تعلیم می‌شود، این است که بعد از اینکه یک مسائل دروغی را نوشته است، آخرش نوشته است معلوم شد که قطع نفوذ روحانیت، قطع نفوذ روحانیون، در رفاه حال این ملت مفید است! رفاه حال ملت به این است که روحانیون را از بین ببرند! همین‌طور است. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارند این ملت اسیر انگلیس یک وقت باشد؛ اسیر آمریکا یک‌وقت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد، نمی‌گذارند که اسرائیل قبضه کند اقتصاد ایران را.» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۱۷)

۴. آزادی؛ زمینه‌ساز تحقق سایر اهداف

در کنار این دو هدف اصلی موسی(ع) ضمن گفت‌وگو با فرعون پرده از زمینه‌ساز تحقق این دو هدف برداشته و خطاب به فرعون می‌گوید: «آن آرسسل معنا بنی اسرائیل» (شراء-۲، موسی اولین تکلیف فرعون را دست برداشتن از استعباد می‌داند. برای تحقق دو هدف اقامه توحید و استقرار عدالت اجتماعی نخستین گام آزاد کردن بند از دست‌وپای بندگان خداست. لذا موسی(ع) اولین وظیفه خود را آزادسازی بنی اسرائیل معرفی می‌کند. این آرومان همه انبیاست، و از این رو اولین کار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از تشکیل حکومت، آزادسازی مؤمنان از حجاز بود. برای هدایت مردم باید گوش و چشم و دست و پای مردم آزاد باشد تا بشنوند و بفهمند و عمل کنند در غیر این صورت چگونه انبیا، پیام دعوت الهی را به مردم برسانند؟»(جوادی آملی، جلسه ۴ تفسیر سوره شعرا) در سوره مبارکه دخان تعبیر دیگری در این خصوص به کار می‌رود که فهم این مقصود را آسان تر می‌کند. در آیه ۱۷ این سوره خداوند از زبان موسی(ع)، خطاب به فرعون نقل می‌کند که:«أَنذَا إِلَٰهَیْ عِبَادَ اللَّهِ» یعنی بندگان خدا را به من تادیبه کن و بازگردان. این بدان معناست که استخفاف و شست‌وشوی مغزی که فرعون از طریق نظام معرفتی و ارزشی خود بر جامعه‌اش تحمیل کرده بود، بندهای اسارت را یکی پس از دیگری بر جان و تن این مردم گهر زده و اینان را از مسیر اصلی فطرت و هدایت الهی خارج کرده بود. لذا خواسته موسی(ع) فقط آزادی به معنای مصطلح امروزی آن یعنی آزادی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیست، بلکه بازگرداندن انسان را به خط اصیل فطرت و صراط مستقیم هدایت، یعنی آزادی معنوی.

یکی دیگر از مقاصد مهم نهضت امام خمینی(ره) در مبارزه با طاغوت، آزادی ملت ایران بود. «حرف ما از اول، آن چیزی که ما از اول صحیحش را داریم و دنبالش را گرفته‌ایم، این است که ما برای ملت ایران دو مطلب می‌خواهیم: این دو مطلب، دو مطلب مشروعی است که اینکه جوامع بشری منحرف نشده‌از انسانیت آن را قبول دارند. یکی اینکه هم ملت ۳۰ میلیون در اختناق است. ۵۰سال است این ملت ۳۰ میلیون درحال اختناق و گرفتاری از همه بازگرداندن است. این مطبوعات‌شان آزاد است، نه رادیویشان یک رادیوی ملی است که اداره‌اش دست مردم باشد و نه خطابه‌های خطیب‌های ما، نطق‌های گویندگان ما، آزاد است. همه اینها تحت زور و فشار پلیس دارد اداره می‌شود. این ملت ۳۵ میلیون که ۵۰سال است از حق مشروع خود محروم بوده‌است، حالا قیام کرده‌است و این حق را طلب می‌کند، می‌گوید «ما می‌خواهیم آزاد باشیم.» (صحیفه امام، ج ۴، صص ۱۹۴-۱۹۵) در این مملکت تمام فرق ضاله‌انگمارا تبلیغ ضلالت‌اسلامی می‌کنند، محافل آزاد دارند، مجالس علنی دارند. مسیحیحیان فرستنده در کلیسای انجیلی در تهران دارند، مؤسسه در کرمانشاه دارند، مدارس رسمی دارند، برخوردار از پشتیبانی دولت‌ها هستند. نشر کتب ضددینی آزاد است. فقط مسلمان‌ها و مبلغین مذهبی و علمای اسلام آزاد نیستند. تبلیغات دینی و میان‌قانون‌شکنی‌ها ازتاج سیاه شناخته‌شده و ممنوع گردیده‌است. محافل دینی و مجامع مذهبی محتاج به اجازه شهربانی‌ها و سازمان‌هاست. دستجات عزاداری بر سیدالشهدا علیه‌الصلوة والسلام باید ممنوع و محدود باشد.» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۳۶)

امام نیز با داریت دریافته بود، آزادی زمینه‌ساز تحقق سایر مقاصد

است و تا مردم اسیر رسانه‌های طاغوت بوده و فعالیت‌های

تبلیغی و دینی در محدودیت باشد، نمی‌توان جان مردم را با

حقیقت‌ناب توحید و قرآن پیوند زد و پیام الهی را به گوش جان

آنها رساند. از این جهت تکلیف عطاط، خطبای و روحانیون را در

اندیشه

عصای کلیم‌الله در دست روح‌الله

مبانی خیزش مردمی در اندیشه امام(ره)



بود. از سویی نسبت به آزادی مطبوعات و سایر رسانه‌ها در تبلیغ برای بهائیت و مسیحیت و کتب ضاله ابراز نگرانی می‌کرد. از سویی دیگر رسانه قدرتمند منبر را در اختیار داشت و به‌خوبی می‌دانست که این رسانه بسیار امام با وعاظ شهیر و علمای موثر آن زمان حکایت از بنیش قوی و آینده‌نگر امام داشت. امام ارتباط عمیقی با این افراد برقرار کرده بود و آنها را در مسیر نهضت و اهداف آن به‌خوبی هدایت می‌کرد. مشهورترین منبری آن زمان، مرحوم حجت‌الاسلام فلسفی بود که مکاتبات بسیاری در طول سال‌های نهضت میان امام و ایشان صورت می‌گرفت. در همان نخستین روزهای مخالفت امام با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ۷ آبان ۱۳۴۱، امام در نامه‌ای به او می‌نویسد: «از مساعی جمیله جنابعالی در نشر حقایق واحکام اسلام و ابطال باطل وردع منحرفین از مقاصد پلیدو نیات فاسد، علمای اعلام و علاقه‌مندان به اسلام واستقلال مملکت جعفری متشکرند. امید است خدایتعالی این زبان گویای اسلام را از شر افسار حفظ فرماید.» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۸۴) همچنین مکاتبات بسیاری وجود دارد که در آن امام واسطه دعوت از حجت‌الاسلام فلسفی برای منبر در شهرهای مختلف است. (صحیفه امام، ج ۱ ص ۲۶۵) نمونه دیگر حمایت علنی امام از حجت‌الاسلام انصاری واعظ شهیر قم است که در جریان مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی ممنوع المنبر شده بود. امام در جمع مردم در دلجویی از او می‌گوید: «شنیده‌ام دو شب است زبان تو را بسته‌اند. چه می‌شود اگر دستبند به دست من و شما بزنند و گوشه زندان ببندانند؟... انصاری زبان گویای مردم قم است و تنها نیست. همه جمعیت پشت سر او هستند و حتما اشب باید به منبر بروی و جریان را کاملاً شرح دهی تا مردم بیدار شوند.» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۸۳) امام همچنین در نامه‌های پرتعداد دیگری به وعاظ شهرهای مختلف، آنها را به‌بیان حقایق توصیه می‌کنند. امام، منبر و مواجهه مستقیم را اثرگذارترین شیوه تبلیغ می‌داند اما از سایر ابزار ارتباط جمعی و رسانه‌های عصر جدیدنیز غافل نیست.

۵. وحدت کلمه رمز پیروزی و بقای نهضت

یکی از مهم‌ترین اصول ثابت حرکت انبیا و اولیای الهی دعوت به توحید در سایه وحدت است. پیش‌تر گفته شد که موسی(ع) بزرگ‌ترین مقصد قیام خود را ایجاد یک جامعه متحد توحیدی عنوان کرد؛ «کَی نَسْجَحَ کَثِیرًا وَنَدْکُرَ کَثِیرًا» (طه-۳۳) (تفسیر این مضامین در جای‌جای قرآن کریم به چشم می‌خورد. یکی از مواردی که اهمیت وحدت در جامعه در آن به‌خوبی تبیین شده‌است، ماجرای مواعده ۴۰ روزه خدا با موسی(ع) در کوه طور است. مطابق آیات ۸۲ تا ۹۴ سوره مبارکه طه و آیات ۱۴۸ تا ۱۵۴ سوره مبارکه اعراف، زمانی که موسی(ع) برای دریافت تورات و عمل به مواعده ۴۰ روزه الهی به کوه طور رفت، قوم او بر اساس سابقه حس گریانی، اسیر فتنه‌سامری شده و مجسمه گوساله‌ای را به‌عنوان بت مورد پرستش قرار دادند. زمانی که موسی از مواعده الهی بازگشت، مشاهده کرد که قوم او گوساله‌پرست شده‌اند. موسی که همه زحمات خود در ابلاغ پیام الهی را بر بادرفته می‌دید با خشم و ناراحتی الواح تورات را بر زمین زده و سر و صورت هارون را به نشانه اعتراض گرفت که چرا در نبود من جلوه تشکر خود نگرفتی؟ در مقابل بنی اسرائیل و لمْ تَرْقُبْ قَوْلَیْ». هارون می‌گوید من هر آنچه از من بر می‌آمد انجام دادم اما کار به مرحله‌ای رسید که نزدیک بود جنگ و خون‌ریزی پیش بیاید و مردم به جان هم بیفتند. تفرقه‌ای در جامعه به وجود بیاید که نتوان آن را جبران کرد. مضافا من همه فرامین تو را اطاعت کردم و تو به من نگفته بودی که تا جنگ و خون‌ریزی هم ایستادگی کنم. خوف تفرقه

دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۹ شماره ۳۰۵۱

صاحب‌امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی- **مدیرمسئول:** محمدامین ایمان‌جانی- **سردبیر:** مسعود فروغی **دفتر مدیرمسئول:** ۰۲۱۳۳۴۸۰۱۲ **تحریریه:** ۰۸۲-۰۱۸-۶۶۷۲۰۱- **فکس:** ۰۱-۶۶۷۲۰۴۷-۶۶۷۲۰۶۱ **روابط عمومی:** ۰۲۱۳۳۴۸۰۴۹۹- **تلفن سازمان آگهی‌ها:** ۰۱۸-۶۶۷۴۸۰۴۱۳ **چاپ:** چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی- **توزیع فرهیختگان:** ۰۱۲-۶۶۷۴۸۰۱۳ **نشانی:** خیابان حافظ، پلاک ۱۲، مرکز جمهوری، روبروی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

تشکر کرده و می‌گوید: «کسی گمان نکند که بشود یا پخش یک چیزهای مسموم بین علمای اسلام جدایی بیندازد. هیچ امکان ندارد این مطلب. ما همه با هم هستیم. ما برای ذُب اسلام و ذُب ایران و ذُب از استقلال ایران و ذُب از کیان اسلام، همه یک هستیم و یک کلقوم داریم.» (صحیفه امام، ج ۱، صص ۳۰۶-۳۰۵) سپس طلاب جوان تر را هشدار می‌دهد که «متوجه باشید اگر چنانچه به‌یک نفر از مراجع اسلام شطر کلمه‌ای کسی اهانت بکند، بین او خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می‌شود. فحش دادن به مراجع بزرگ ما را کوچک فرض می‌کنند؟» (صحیفه امام، ج ۱، صص ۳۰۷-۳۰۶) بنابراین، وحدت کلمه و اتحاد داخلی علت موجده این نهضت بوده و تأکیدات امام خمینی(ره) پس از پیروزی انقلاب بر این مهم، حاکی از آن است که علت مبقیه این نهضت نیز همین وحدت کلمه خواهد بود.

۵. جمع‌بندی: هیچ ملتی نزد خدا گارانتی ندارد

آیات ۲۰ تا ۲۶ سوره مائده، داستانی را نقل می‌کند که برای همه ملت‌هایی که بر طاغوت عصر خود چیره شوند، عبرت‌آموز و پنددهنده است. خداوند متعال در آیات ابتدایی سوره قصص با اشاره به ظلم و فساد فرعون در مصر، به بنی اسرائیل به استضعاف کشیده‌شده این نوید را می‌دهد که خداوند می‌خواهد بر شما منت گذارد و شما را وارثان این سرزمین و پیشوایان سایرین قرار دهد. این نوید اما در سایه تلاش و کوشش خود آنها محقق می‌شود و سنت خداوند این گونه است که سرنوشت هیچ ملتی را جز آنکه خود تغییر کنند، تغییر نخواهد داد. (رعد/۱۱) البته خداوند با ارسال رسول و شق البحر موانع هدایت مردم را به دریا می‌ریزد و راه هدایت را باز می‌کند، اما هیچ‌ملتی جز با تلاش و کوشش خود نمی‌تواند به عزت و استقلال برسد. در آیات مذکور سوره مائده خداوند داستانی از بنی اسرائیل را نقل می‌کند که پس از گذر از معجزات گوناگون نظیر عصا و ید بیضاء و غرق فرعون و جنودش در دریای سرخ و پس از اخذ تورات و آتش زدن گوساله‌سامری رخ داده است. در این آیات آمده است که موسی(ع) از قوم خود می‌خواهد تا به‌واسطه نعمات متعددی که خدا به آنها داده است که تا آن زمان به احدی نداده بود، وارد سرزمین مقدس شوند که خداوند آن را برای بندگان مومن خود قرار داده است. اما بنی اسرائیل با بی‌ادبی به درخواست نبی خدا پاسخ منفی می‌دهندو اعلام می‌کنند که در این سرزمین عده‌ای جبار حکومت می‌کنند و تا زمانی که آنها در آن سرزمین باشند ما بدان وارد نخواهیم شد. تلاش موسی(ع) و قلیلی از مومنان همراه او برای مجاب کردن این قوم بی‌فایده است و آنها با بی‌دستی بزرگ‌تری خطاب به موسی می‌گویند تو وحدایت بروید و بجنگید، ما همین جا نشسته‌ایم. این گونه سخن گفتن با ولی خدا همان و گرفتاری ۴۰ سساله در تیه همان. قرآن کریم نقل می‌کند که موسی(ع) به خدا فرمود من جز خودم و برادرم کسی را ندارم و سپس قومی را نفرین کرد. این نفرین سبب شد تا بنی اسرائیل برای مدت ۴۰ سال دچار تیه و سردرگمی شوند. همان بلایی که ماجرای سقیفه بر سر مسلمانان آورد و با خائن نشینی ولی‌خدا، انتظار برای فرج تا کنون نیز ادامه یافته است.

این امر به‌خوبی نشان می‌دهد که هیچ قومی در نزد خدا گارانتی ندارد. اگر نصرت الهی در زمانی شامل حال یک قوم شد، این قوم باید سپاسگزار این نصرت باشد و با استقامت در راه خدا، عزت خود را تحکیم و تمدید کنند. در این صورت نصرت الهی باز هم شامل آنها خواهد گردید. «إِنَّ الدِّینَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلَائِكَةُ الْأَتْخَافُوا وَ لَا تُخَافُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْآیَةِ الَّتِی کُتِبَتْ لِکُمْ فَاذْبَحُوا» (فصل/۳۰) تاریخ انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد، یاران خمینی پس از پیروزی در برابر طاغوت و پهلوی همچنان در رکاب ولی خدا ماندند و به دعوت جهاد او طی هشت سال جنگ تحمیلی لبیک گفتند و ثمره استقامت آنها و خون شهدا، عزت و استقلال مملکت اسلامی گردید. امام خمینی(ره) در بیان خود ملت ایران را بهتر از ملت حجاز و کوفه می‌داند. «من با جرات مدعی هستم که ملت ایران و توده ملیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلمه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات‌الله و کوفه و کربلا می‌باشند. آن حجاز که در عهدرسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند، که خداوند تعالی در سوره «توبه» با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمومنین آن قدر بد رفتاری کردند و از اطاعتش سرر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا(ع) آن شد که شد. و آنان که در شهادت دست آلوده نکردند، یا برگزیدند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. اما امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری‌ها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند. و می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمک‌های ارزنده‌ای می‌کنند می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ و متعلقان آنان با جبهه‌های حماسه‌آفرین و گذشتار و کرداری شامقانه و اطمینان بخش ما ما و شما برخورد می‌کنند.» (صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۱۰) با این حال، ابتلا و امتحان الهی پایان نیافته‌است و ملت ایران اگر به دنبال عزت و استقلال خود است، راهی جز جنگ‌زدن به ریسمان محکم الهی که در دست ولی‌خدا در هر زمان است، نخواهد داشت.

منابع:

قرآن کریم، نهج البلاغه، دروس تفسیر آیت‌الله جوادی آملی صحیفه امام خمینی(ره)

پی‌نوشت‌ها:

۱. منظور از مذهب، بت‌پرستی است.

۲. عبارت آریسل معنا به معنی آزاد کردن است در مقابل آریسل الینا که به معنی فرستادن است.